

قتل و سنخ‌شناسی بخشش (مطالعه موردی گیلان)

علی یعقوبی چوبری^۱

چکیده

هدف این مقاله، سنخ‌شناسی بخشش براساس داده‌های مبتنی بر استراتژی استقرایی است. در این استراتژی، از طریق رویکرد تفسیرگرایی ادراک مصاحبه-شوندگان درخصوص بخشش مورد بررسی قرار می‌گیرد. در تحقیق حاضر، با روش کیفی و نمونه‌گیری هدفمند از مصاحبه‌های نیمه‌سازمان‌یافته، فردی و گروهی استفاده شده است. براساس منطق اشباع نظری با ۲۷ نفر به‌صورت فردی و سه نفر بصورت گروهی مصاحبه انجام شد. سپس مصاحبه‌ها به شیوه‌ی تحلیل مضمونی مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دو سنخ کلی درخصوص بخشش وجود دارد. یکی بخشش معطوف به خود و دیگری بخشش معطوف به دیگران. در نوع اول بخشش گونه‌های مختلفی چون مخالفان بخشش، بخشش جایگزین، موافقان بخشش و بخشش معطوف به نیت وجود دارد. در بخشش معطوف به دیگران نیز می‌توان سه سنخ تحت عنوان مخالفان بخشش، بخشش با اکراه، بخشش معطوف به نیت مشاهده کرد. بزه‌دیدگان در مقابل قتل نزدیکان خود مبادرت به حسابگری کیفی می‌کنند و فواید ناشی از بخشش و انتقام را می‌سنجند و سپس رفتار می‌کنند. برمبنای یافته‌های تحقیق بخشش امری زمانی و مکانی است، زیرا تا حدودی به موقعیت افراد به‌مثابه بزهکار یا بزه‌دیده و زمان بین ارتکاب جرم و مجازات بستگی دارد.

واژگان کلیدی

سنخ‌شناسی، بخشش، قتل، استان گیلان.

مقدمه

بخشش^۱ به‌مثابه‌ی مفهومی تاریخی و کهن‌الگویی است که در ادبیات مذهبی به‌عنوان صفت الهی تقدیس و تشویق شده است. در خصوص چیستی «بخشش» تاکنون تعاریف متعددی از آن صورت گرفته است، اما تعریف انزایت^۲ و همکاران از جامعیت بیشتری برخوردار است. آن‌ها بخشش را فرایند گذشتن از خطای دیگران می‌دانند که به‌دلایل آرامش درونی، بهمود روابط با خاطی و یا به منظور انجام رفتاری ارزشی صورت می‌گیرد. هرچند انتقام گرفتن پاسخ طبیعی انسان در برابر خطاهای دیگران است؛ اما بخشش چندکارکردی است (میرگ^۳، ۲۰۱۱: ۲۷۱) از کارکردهای عمده آن: رهایی از احساس منفی نسبت به خاطی، غلبه بر رنجش حاصل از بدی، پرهیز از عصبانیت، دوری، جدایی و تلافی نسبت به خاطی (انزایت، ۱۹۹۸: ۴۸). بخشش را نباید با چشم‌پوشی و اغماض^۴، معذرت‌خواهی و پوزش^۵، و فراموشی^۶ اشتباه گرفت. دو شرط عمده در بخشش وجود دارد. یکی اینکه فرد حق انتقام داشته باشد. دوم اینکه قادر و صاحب اختیار باشد. بنابراین فرایندی درون‌فردی است که طی آن جنبه‌های شناختی، احساسی و رفتاری فرد در برابر خطا و خطاکار تغییر می‌کند (حمیدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۰). زاکورینی معتقد است که بخشودگی به‌عنوان فرایند چشم‌پوشی ارادی از حق عصبانیت و انزجار از یک عمل ارتكابی برگزنده تعریف شده است که شخص متألّم رفتاری گرم و محبت‌آمیز را با فرد خاطی در پیش می‌گیرد. فرایند بخشش چهار مرحله دارد که عبارت است از زدگی، نفرت، شفا یافتن و بخشیدن و در نهایت آشتی و بازگشت به سوی یکدیگر (زاکورینی و همکاران به نقل از شیباسی و خیاطی، ۱۳۹۴: ۳۶).

به‌لحاظ سنخ‌شناسی نیز گونه‌های مختلفی از بخشش وجود دارد. در الاهیات مسیحی بخشش به دو سنخ درونی و بیرونی تقسیم می‌شود. در بخشش درونی به درون و تفکر شخص برمی‌گردد. این نوع از بخشش دلالت بر بخشیدن شخص خاطی دارد، قبل از آنکه خود او درخواست عفو کند، اما در بخشش بیرونی فرد خاطی سعی می‌کند با فرد آسیب دیده ارتباط برقرار کند که این امر به سازش ختم می‌شود (دانشگر، ۱۳۹۰: ۱۱۲). از جهات دیگر نیز بخشش را می‌توان به دو مقوله بخشش معطوف به خود (بخشش خاطی، زمانی که خود بخشنده، قربانی باشد) و بخشش معطوف به دیگران (بخشش خاطی، زمانی که یکی از نزدیکان فرد بخشنده، قربانی باشد) (بهرامیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۴). برخی هم گونه‌های بیشتری برای بخشش قایل‌اند.

1. Forgiveness
2. Enright
3. Meyerberg
4. Condoning
5. Excusing
6. Forgetting

مانند بخشش ناپخته و عجولانه، بخشش بازدارنده، بخشش مشروط، بخشش کاذب یا شبه بخشش، بخشش زیرکانه، بخشش بی‌وقفه، تکرار شونده و ملال‌آور و بخشش اصیل (حمیدی پور، ۱۳۸۹: ۵۱). در این پژوهش منظور از بخشش معطوف به خود، شامل کسانی است که در سطح ذهنی و رفتاری مرتکب قتل شده باشند و خاطیان خواستار بخشش از اولیای دم هستند. بخشش معطوف به دیگران نیز بدین معناست که در دنیای ذهنی فرد تصور کند یکی از نزدیکانش به قتل رسیده و یا در حقیقت به قتل رسیده باشد و خواستار واکنش آنها در مقابل بزهکار باشند. این امر بصورت پیوستاری، طیفی از موافقان و مخالفان بخشش را تشکیل می‌دهد.

همچنین به لحاظ جامعه‌شناسی حقوقی، بخشش یکی از شاخص‌های اصلی عدالت ترمیمی^۱ را تشکیل می‌دهد. با این وجود، هدف عدالت ترمیمی برنامه‌های تشویقی و یا حتی تهدید و اکراه بزه‌دیدگان به بخشش بزهکار یا سازش با او نیست. هر چند درجات عفو و بخشش در عدالت ترمیمی بیش از عدالت کیفری^۲ است، اما گذشت و سازش امری انتخابی است (زهر، ۱۳۸۸، ص ۳۹). در نشست ترمیمی، بزهکار تشویق به عذرخواهی و جبران خسارت بزه‌دیده می‌شود و بزه‌دیده نیز تشویق می‌شود تا بزهکار را ببخشد (جانسون، ۱۳۸۹: ۱۹۹).

با این تفاسیر، علی‌رغم اینکه از عمر عدالت ترمیمی چهار دهه نمی‌گذرد، اما در نظام کیفری به یک جنبشی پویا تبدیل شده است و در اسناد منطقه‌ای و فراملی مطرح است. در خصوص چرایی انتخاب بخشش معطوف به قتل می‌توان گفت که چون در قتل عمد با قصاص نفس همراه است، از اهمیت ویژه‌ای در قیاس با سایر بخشش‌های ناشی از جرایم اجتماعی دارد. بر این اساس پژوهش پیش رو تلاشی است، در جهت بررسی روایت کنشگران اجتماعی از بخشش. علاوه بر این، طی چند ساله اخیر میزان جرایم خشونت‌آمیز و ضرب و جرح در استان گیلان رو به افزایش بوده است. در این باره، هر چند میزان قتل در استان گیلان در سال ۱۳۹۳ نسبت به سال ۱۳۹۲ کاهش نسبی را نشان می‌دهد، اما از نظر قتل بر حسب ۱۰۰ هزار نفر در بین سالهای ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ بیشترین تعداد را در بین استان‌های شمالی داشته است (یعقوبی، ۱۳۹۴: ۷). بنابراین به لحاظ مکانی و زمانی تحقیق در خصوص مواجهه با آن ضروری است. همچنین پیدا کردن ابعاد پنهان و مخفی این مسأله اجتماعی از طریق تحقیقات کمی و پیمایش میسر نیست و با تحقیقات کیفی سازگاری بیشتری دارد. علاوه بر این، از نتایج این تحقیق علاوه بر پژوهشگران دانشگاهی، دستگاه‌های انتظامی و دادگستری نیز می‌توانند در عرصه تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی استفاده کنند. با این مقدمه این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش‌های اساسی است که: چه سنخ‌های مختلفی در خصوص بخشش معطوف به قتل وجود دارند؟

1. Restorative justice
2. Criminal justice

انتظارات مصاحبه‌شوندگان (عادی، قاتلین، مشاوران) از جامعه، مراجع قضایی و اولیای دم در جهت مجازات مجرمین چگونه است؟ آنان چه راه‌های دیگری غیر از عدالت کیفری جهت مجازات مجرمان پیشنهاد می‌کنند؟

مبانی نظری و چارچوب مفهومی

الف) رویکرد اخلاقی

بخشش و عدالت ترمیمی مورد توجه ادیان مختلف بویژه ادیان توحیدی قرار گرفته است. بررسی آیات قرآنی نشان‌دهنده‌ی تأکید بر بخشش خطاهای دیگران است. در کلام امام علی علیه السلام و در تفاسیر قرآنی آمده که در عفو لذتی است که در انتقام نیست و بر جنبه‌ی اخروی عفو و بخشش تأکید شده است (ایمانی فر و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷۰). در آیین مسیحیت بر بخشش تأکید ویژه‌ای شده است. حضرت عیسی علیه السلام پیامبری است که پیام عفو و بخشش و راه بازگشت از گناه را بارها بر مردم ابلاغ کرد. بعدها کلیساها به عنوان نمادها و مکان‌های بخشودگی معرفی شدند (دانشگر، ۱۳۹۰: ۱۰۸). تأکید مسیحیت بر بخشش موجب شد بسیاری از متفکران غربی به این مقوله اخلاقی بپردازند. عفو از صفات پسندیده‌ای است که در مکاتب اخلاقی نیز مورد ستایش قرار گرفته با به-کاربردن این صفت در زندگی می‌توان از ثمرات دنیوی آن که داشتن سلامت روانی و جسمانی است، بهره‌مند شد. دریدا^۱ نیز معتقد است که این مفهوم متعلق به ادیان ابراهیمی است، سنتی ابراهیمی که در عصر ما خود را بر فرهنگ‌هایی تحمیل کرده که فاقد خاستگاه ابراهیمی‌اند (مانند کره، ژاپن و...). او جانبدار بخشایش ناب و نامشروط و مخالف تقلیل آن به مفاهیمی چون تاوان، رستگاری، وفاق ملی، حق رأفت و... است. دریدا در مورد امر بخشش معتقد است «اگر چیزی برای بخشودن وجود داشته باشد، همان است که در زبان مذهبی به آن «گناه کبیره»، بدترین نوع گناه، جنایت یا ایذایی «نابخشودنی» می‌گویند» (دریدا، ۱۳۸۷: ۹۲). یعنی امر بخشش اگر در مورد خطا یا گناهی که بتوان آنرا بخشید به کار گرفته شود، دیگر نمی‌تواند به مفهوم بخشیدن باشد؛ زیرا بخشیدن باید چیزی را در بر گیرد و آنرا مورد لطف و مرحمت قرار دهد که غیر قابل بخشش باشد. به باور دریدا هنگامی که «حق رأفت»، از چنگ قدرت خارج گردد و به قربانی و یا بازماندگان قربانیان اعطا شود، ناممکنی نهفته در امر بخشش، به هیئت «راز» در می‌آید. راز و سری که نیاز نیست تا همگان از آن سر درآورند، بلکه همینکه قربانی یا بازمانده‌ی فرد قربانی چنان از احساس بخشش و شفقت و یا به عکس چنان از احساس کینه و انزجار مالامال باشد که به واسطه آن بتواند از چارچوب‌های عقلانی - منطقی متعارف فراتر رود کافی است؛ زیرا این حق

1. Derrida

فراتر رفته از چارچوب‌های عرفی، حقی است فقط متعلق به او و تجربه‌ی عاطفی و احساسی‌اش. حال چه ببخشد یا نبخشد؛ هیچ فرقی نمی‌کند؛ و از آنجا که از مدار عقلانی - حقوقی و نیز قدرت‌های سیاسی حکام خارج شده است، دیگر هیچ کس یارای پرسیدن از چرایی احساس او را ندارد. دریدا می‌گوید: «توجه به این راز در سیاست ضروریست، رازی که از امر سیاسی فراتر می‌رود یا رازی که دیگر در قلمرو حقوقی و قضایی قرار نمی‌گیرد. این همان چیزی است که به آن می‌گوییم»: دموکراسی در پیش رو» (همان: ۱۱۹).

سایر اخلاق‌گرایان نیز به تأثیر عفو در ایجاد صلح، افزایش بهزیستی روانی و رضایت از زندگی تأکید دارند. در این باره، لویناس^۱ فیلسوف آلمانی «دیگری»^۲ را مرکز توجهات خود قرار می‌دهد و معتقد است که «تا وقتی «من» هستم در تنهایی خود محدود می‌شوم، اما همین که «نگران دیگری» شدم و به دیگری عشق ورزیدم، نامتناهی و بیکران می‌شوم و به سوی «او» حرکت می‌کنم. از دید وی، فضایی چون رحم، شفقت و احترام مرهون جانشین دیگری شدن هستند (اشپیلبرگ، ۱۳۹۱: ۹۲۶-۹۲۵). لویناس معتقد است که رویارویی با «دیگری» و برخورد با «چهره»^۳ فاصله را از بین می‌برد و به گفت‌وگو می‌انجامد. این دگراندیشی و چهره به چهره شدن، به صلح و عدم خشونت می‌انجامد. او اولین فرمان دینی-اخلاقی دیگری، «قتل مکن» را دارای وجه منفعلانه و مسئولیت‌پذیری می‌داند (صیاد منصور و طالب زاده، ۱۳۹۳: ۱۶۹). لویناس بر این باور است که بین قتل و چهره ارتباط وجود دارد. زیرا، چهره بی‌حفاظ و بی‌پناه در معرض تهدید است و ما را به عملی از جنس خشونت دعوت می‌کند. در عین حال چهره آن چیزی است ما را از کشتن منع می‌کند.

ب) رویکرد روانشناختی

روانشناسان از زاویه دیگری به بخشش می‌نگرند. آنها بخشش را به عنوان واکنش روانشناختی تعریف می‌کنند که مشمول شش مؤلفه‌ی روان‌شناختی عدم عاطفه، قضاوت و رفتار منفی نسبت به خطاکار و وجود عاطفه، قضاوت و رفتار مثبت نسبت به همان خطاکار است. رویکرد ورثینگتون بخشش را به عنوان جابه‌جایی هیجان‌های نظیر تنفر، تلخی، کینه، دشمنی، خشم و ترس با هیجان‌های متمایل به مثبت نظیر عشق، همدلی، شفقت یا همدردی تعریف می‌کنند (ایمانی‌فر و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۱). رویکرد رای^۴، بخشش را به عنوان آزاد کردن عاطفه منفی (نظیر دشمنی)، شناخت‌های منفی (نظیر افکار مربوط به انتقام) و رفتار منفی (نظیر پرخاشگری کلامی) در پاسخ

1. Levinas
2. Otherness
3. Face
4. Rye

به بی‌عدالتی ادراک شده تعریف می‌کند (رای و همکاران، ۲۰۰۲: ۴). ستوب نیز معتقد است که اقدام به بخشش باعث بهبود احساسات شده و میزان بیماری‌های روانی را کاهش می‌دهد. همچنین پاسخ استرس‌های فیزیولوژیکی را تقلیل داده، موجب بهبود جسمانی و احساس کنترل شخصی بیشتری می‌شود و در نتیجه باعث تسهیل ترمیم روابط با افراد و تقویت ارتباطات عاطفی و اجتماعی می‌گردد (ستوب به نقل از بهرامیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۷). انرایت نیز تأکید می‌کند که الگوی فرآیند بخشش شامل ۲۰ فرآیند رفتاری و روان شناختی است که در هنگام بخشیده شدن یک فرد خاطی در فرد بخشنده روی می‌دهد. وی بخشش را یکپارچگی عاطفی، شناختی و راهکارهای رفتاری می‌داند که این جنبه‌ها با هم باعث بروز یک پاسخ اخلاقی یعنی بخشش می‌شوند. بخشیدن بستگی به عوامل متعددی همچون عوامل موقعیتی (قصد خطاکار از خطا، تکرار جرم، شدت عواقب، عذرخواهی کردن خطاکار، جبران خسارت)، عوامل ارتباطی (هویت فرد خاطی و نزدیکی او با قربانی، وضعیت سلسله مراتبی‌اش، نگرشش پس از ارتکاب جرم، فشارهای محیطی) و عوامل شخصیتی دارد (ایمانی‌فر و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۲).

ج) رویکرد جامعه‌شناختی

در بین جامعه‌شناسان مفهوم بخشش مورد توجه قرار گرفته است. دورکیم^۱ نیز بر این باور است که جرم و بزهکاری پدیده‌هایی است، که همواره در تمامی جوامع اتفاق می‌افتد اما نحوه‌ی مقابله با آنها در جوامع مختلف متفاوت است. وی معتقد است که در جامعه‌ای که همبستگی آن از نوع مکانیکی^۲ است، مجرم برخلاف وجدان جمعی، که عامل انسجام اجتماعی است عمل کرده و موجب تضعیف آن شده است. وی مجازات می‌شود تا احساسات جریحه‌دار شده وجدان جمعی آرام بگیرد. در این نوع مجازات، هدف اصلاح مجرم و یا دیگران نیست، بلکه هدف تنبیه او است. از این رو، این نظام حقوقی را دورکیم حقوق تنبیهی می‌داند. اما در جامعه‌ای با همبستگی ارگانیکی^۳، حقوق ترمیمی حاکم است. برای اینکه در جامعه‌ای با همبستگی مبتنی بر تقسیم کار اجتماعی، وجدان جمعی جریحه‌دار نمی‌شود؛ زیرا مشترکات جای خود را به تمایزها داده است. حقوق ترمیمی، به جای تعزیر و تنبیه مجرم، به سراغ ترمیم می‌رود؛ یعنی اگر کاری انجام شده و اشکالی پیش آمده، فقط به این اکتفا می‌شود که خرابی‌ها جبران شده و به حالت اولیه برگردانده شود. برای رسیدن به این هدف، سازوکار خاصی پیش بینی شده است (دورکیم، ۱۳۸۱: ۱۰۳).

پارسونز^۴ نیز از زاویه کنش به بخشش توجه می‌کند. وی بر این باور است که ارزش‌های

1. Dorkheim
2. Mecanicy solidarity
3. Organicy solidarity
4. Parsons

همراه با کنش، از خارج بر افراد تحمیل نمی‌شود بلکه در مناسبات متقابلشان با جامعه ایجاد می‌گردد، از این رو جا دارد آنها را اجتماعی بنامیم. بنابراین، ارزش‌ها در شرایط ساختی در شکل‌دهی کنش مؤثرند، متغیرهای الگویی فرایند کنش اجتماعی مانند فرآیند بخشش افراد خاطی از طریق بزه‌دیدگان را بر اساس موقعیت بیان می‌کند. منظور از متغیر انتخاب یک شق از دو شقی است که عامل پیش از آنکه معنای موقعیت بر او معلوم باشد و بخواهد به عمل دست بزند باید یکی از آن دو را انتخاب کند. پارسونز قایل به پنج دو راهی‌ها است. این متغیرها در توانایی افراد برای بخشیدن افراد خاطی نیز، بمتابیه‌ی یک کنش اجتماعی، نقش ایفا می‌کند. متغیرهای مزبور عبارتند از: ۱. عاطفی بودن در برابر خنثی بودن از حیث عاطفی؛ ۲. جهت‌گیری جمعی در برابر جهت‌گیری به سوی خود؛ ۳. عام‌گرایی در برابر خاص‌گرایی؛ ۴. کیفیت ذاتی در برابر جنبه عملی؛ ۵. ویژه بودن در برابر پراکنده بودن (بهرامیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۸). از این‌رو، ساختارهای اجتماعی، شدت و نوع همبستگی در کنش بخشش مؤثرند.

یکی از تئوری‌ها نظریه شرم‌نده‌سازی^۱ است. شرم‌نده‌سازی نظریه‌ای است که از سوی جان برایت‌ویت^۲ استرالیایی ارائه شده است. این نظریه بیانگر آن است که بزهکار توسط اطرافیان خود که دیدگاه آنها برای بزهکار مهم و حساس است (از قبیل خانواده‌ها، دوستان، همکاران، معلمان و...) به خاطر ارتکاب جرم شرمسار خواهد شد. البته سرزنش حامیان وی فقط ناظر بر فعل ارتكابی است نه حیثیت و کرامت انسانی او. در غیر این صورت، هدف بازاجتماعی‌شدن محقق نخواهد شد و صورت دیگری از شرم‌نده‌سازی با وصف طرد کننده یا رسواکننده محقق می‌شود که برآیند دستگاه عدالت کیفری سنتی است. در این فرآیند، بزهکار متوجه می‌شود که رفتار او بر خلاف ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است و در نتیجه‌ی این ارزیابی به خود خشم می‌گیرد و از طرف دیگر در فرآیندهای ترمیمی‌شان و حیثیت انسانی تمام مشارکت‌کنندگان به نحو مطلوبی مصون از تعرض بوده و در مورد بزهکار هم، چنین اصلی صادق است. بزهکار در فرآیندهای ترمیمی احساس احترام به خود را حس می‌کند و با شرم ناشی از ارتکاب بزه و ملاحظه‌ی احترام دیگران به او در مسیر باز اجتماعی‌شدن قرار می‌گیرد. همچنین به نظر برخی محققین شرم حاصله در وجود بزهکار اثرات ترمیمی روانی و عاطفی برای بزه‌دیدگان داشته و منجر به التیام روانی بزه‌دیدگان می‌شود. این فرایندها عبارتند از: ۱. فرایند شرم‌سازی^۳؛ ۲. فرآیند عذرخواهی-بخشش^۴ (جانسون، ۱۳۸۹: ۲۰۵). او کنترل اجتماعی به وسیله اعضای اجتماع را جایگزین

-
1. Shaming theory
 2. Braithwaite
 3. Shaming process
 4. Apology-Forgiveness process

مطلوب کنترل رسمی دانست و کوشید تا یکی از ارکان عدالت ترمیمی در نیوزیلند تحت عنوان «نشست گروهی خانوادگی» را به مفهوم «بازپذیری توأم با شرم‌ساری» نزدیک کند (غلامی، ۱۳۸۵: ۷۶).

برخی از جامعه‌شناسان از منظر پیامدگرایی به جرم می‌نگرند، بزعم آنها مجازات‌ها به خاطر نتایج سودمندی که به‌بار می‌آورند توجیه می‌شوند. سودمندی مجازات در این است که با تنبیه و اصلاح مجرم و ارعاب دیگران از ارتکاب مجدد در جامعه جلوگیری به عمل می‌آورد. طرفداران حقوق ترمیمی تنها فرد را مسئول جرم نمی‌دانند و مجازات بدنی را موجه نمی‌دانند و با این نگاه در جهت جرم‌زدایی از بزهکار بر می‌دارند. آنها نیز از منظر پیامدگرایی معتقدند که اعدام فی‌نفسه توجیه‌پذیر نیست، بلکه امری بد است که تنها به خاطر آن که در آینده از آن نتایج مفیدی به‌دست آید باید آن را به کار گرفت. مجازات تنها زمانی به‌لحاظ اخلاقی توجیه می‌شود که هزینه‌های ناشی از آن از منافع آن بیشتر نشوند (تقی‌پور و رفیعی، ۱۳۹۵: ۳۶).

هوارد زهر در رساله کوچک خود تحت عنوان «عدالت مبتنی بر سزادهی، عدالت ترمیمی» برای اولین بار الگوی منسجم و جامعی از عدالت کیفری را ارائه و عدالت ترمیمی را به عنوان جایگزین نمونه عدالت کیفری معرفی نمود. وی تأکید خاصی بر منافع بزه‌دیدگان و تواناساختن بزهکاران جهت پذیرش نقش فعال برای جبران ضرر و زیان‌های ناشی از جرم داشت. کنش متقابل میان بزه‌دیده و بزهکار مستلزم آشتی میان آن‌ها، اصلاح امور و به صورت بالقوه بخشش و عفو است که در مبانی مذهبی و به‌ویژه در مذهب مسیح و اسلام بر آن تأکید شده و موجبات مشروعیت آن را فراهم می‌کند (غلامی، ۱۳۸۵: ۷۵). این مقاله هر چند مبتنی بر تحقیق استقرایی است اما به‌لحاظ نظری بر اساس سه‌سویه‌سازی نظری است که در تبیین یافته‌ها از متفکران علم اخلاق نظیر دریدا و لویناس همچنین نظریه‌پردازان علوم اجتماعی از قبیل دورکیم، پارسونز، زهر، برایشویت و بنتام استفاده شده است.

۳. روش‌شناسی

در این پژوهش از روش کیفی استفاده شده است، دلیل انتخاب روش‌های مزبور به‌لحاظ ماهیت موضوع، و انطباق روش‌ها با موضوع است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه افراد بالای ۱۸ سال شهر رشت است. ابزار پژوهش در این تحقیق مصاحبه‌های فردی و گروهی است. نمونه آماری نیز سی نفر از افراد مزبور را تشکیل می‌دهد که ۲۷ نفر بصورت فردی و سه نفر از مشاوران بصورت گروهی مصاحبه شدند. از بین مصاحبه‌های فردی ده مصاحبه از متهمان زندان لاکان رشت و هفده نفر از شهروندان انجام پذیرفت.

در پژوهش حاضر از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است و نمونه‌گیری با حصول اشباع

نظری^۱ پایان یافت. در انتخاب نمونه با تنوعی از متهمین، مشاورین و مردم عادی استفاده شده است. در خصوص قابلیت اعتماد تحقیق در بخش اعتبارپذیری^۲ از روش‌های چندگانه نظیر مشاهده، اسنادی، مصاحبه‌های فردی و گروهی و تحقیقات مشابه کمک گرفته شد. در خصوص قابلیت اطمینان^۳ نیز متن مصاحبه پس از پیاده شدن مقوله‌بندی گردید، و در مقوله‌بندی داده‌ها، از اساتید و کارشناسان استفاده شد.

یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها به شیوه‌ی تحلیل مضمونی ارائه شده است. در این شیوه که غالباً در پژوهش‌های اکتشافی کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد، بخش‌های از مصاحبه در حول مضامین مختلف که از مفاهیم نظری استخراج شده اند، مورد استفاده قرار گرفته است (پلامر^۴، ۲۰۰۲). در تحلیل تماتیک یا مضمونی^۵، تم‌ها از داده‌ها نشئت می‌گیرند و محقق به دنبال الگویابی در داده‌هاست. زمانی که الگویی از داده‌ها به دست آمد، باید حمایت تمی یا موضوعی از آن صورت گیرد. نحوه طبقه‌بندی و کدگذاری داده‌های مصاحبه‌ای از طریق استقرای تحلیلی بود. بدین‌معناکه ابتدا در هر مصاحبه عبارات، توضیحات و جملاتی که حاکی از مواجهه افراد از بخشش بود و همچنین روش‌های جایگزین اعدام استخراج شدند. سپس براساس مقوله‌های معنایی مشترک گروه‌بندی شدند و سرانجام بر اساس وجوه مشترک عبارات گروه‌بندی شده در هر کدام از مقولات قرار گرفتند. در نهایت تم‌های مرتبط، اصلی و فرعی شناسایی شدند.

یافته‌های پژوهش

بخشش معطوف به دیگران

یکی از سوالات تحقیق این بود که اگر یکی از نزدیکان شما به قتل برسد چه واکنشی خواهید داشت؟ در پاسخ به این سوال مصاحبه‌شوندگان بیان داشتند که غیرعمد بودن قتل نقش به‌سزایی در عفو و بخشش آنها نسبت به قاتل دارد، اما همانطور که خواهید دید اکثر افراد در صورت عمدی بودن قتل خواهان اشد مجازات قاتل هستند. در ذیل به بیانات مصاحبه‌شوندگان در این خصوص اشاره خواهیم کرد:

-
1. Theoretical saturation
 2. Credibility
 3. Dependability
 4. Plummer
 5. Thematic Analysis

سنخ شناسی بخشش در مقابل قتل

الف) مخالفان بخشش

قتل و بخشش یک امر اجتماعی است که در تعامل با شخص دیگری اتفاق می‌افتد. این سنخ از افراد با جهت‌گیری عاطفی و جمعی واکنش نشان می‌دهند. در مقابل افراد خاطی واکنش مصاحبه‌شوندگان در خصوص قتل متعدد است. برخی از آنان گرایش به عدالت کیفری دارند و با مخالفت در قبال قتل یکی از عزیزان خویش واکنش شدیدتری از خود نشان می‌دهند. این سنخ از افراد با هرگونه بخشش مخالفند، برای کیفر ارزش ذاتی قایلند و خواهان اشد مجازات برای قاتلین هستند.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۵، زن، ۴۹ ساله، لیسانسیه و خانه دار خواهان عدالت کیفری است: بستگانم به قتل برسند انتظار دارم [قاتل] مجازات و اعدام شود ولی دیه‌ی مقتول را نگیرند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۷، زن، ۳۸ ساله، ارشد و وکیل گرایش به عدالت سنتی دارد: اگر نزدیکانم به قتل برسند تقاضای قصاص را دارم.

مصاحبه‌شونده شماره ۲۰، مرد، ۲۲ ساله، لیسانسیه و نظامی نیز به حقوق تنبیهی معتقد است: اگر بستگانم به قتل برسند انتظار اشد مجازات و قصاص را دارم. از آنجایی که قتل موجب جریحه‌دار شدن وجدان جمعی جامعه می‌شود واکنش شدید افراد جامعه را بدنبال دارد و هدف از کیفر ارضاء وجدان جمعی است. این سنخ از تنبیه خصلت جزایی دارد و افراد نسبت به سایر جرایم ممکن است کمتر از خود انعطاف نشان دهند.

ب) بخشش با اکراه

این سنخ از افراد هرچند موافق بخشش‌اند و گرایش به عدالت ترمیمی دارند ولی این کنش را با اکراه انجام می‌دهند. آنها می‌توانند تحت تأثیر متغیرهای مختلف به مخالفان و حامیان بخشش تبدیل شوند.

مصاحبه‌شونده شماره ۲۳، مرد، ۲۳ ساله، سیکل و بیکار: اگر نزدیکانم را بکشند اگر غیر عمدی باشد هیچوقت راضی به قصاص نمی‌شوم. او را هیچوقت قصاص نمی‌کنم ولی قلباً او را هیچوقت نخواهم بخشید و فقط در ظاهر عمل او را از مرگ و قصاص نجات خواهم داد. مصاحبه‌شونده شماره ۲، مرد، ۴۰ ساله، دیپلمه و آزاد(متهم به قتل): "بی احتیاطی انجام میشه. اگه یکی از نزدیکانم کشته بشه، من نمی‌بخشم ولی پس از مدتی آدمی سرد میشه. اینجا فردی رو بالای دار بردن خانواده مقتول رضایت داده"

در ادامه نظرات سه تن از مشاوران را نیز در ذیل خواهیم آورد:

مصاحبه‌شونده شماره ۱۱، مرد، ۴۲ ساله، ارشد و مشاور مدت زمان بخشش برای وی از

اهمیت بیشتری برخوردار است وی معتقد است: اگه کسی از بستگان نزدیکم رو بکشه من فکر می‌کنم نبخشم. یا در کوتاه مدت نبخشم.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۲، مرد، ۲۹ ساله، ارشد مشاوره نیز بر این باور است که در چنین موقعیتی دچار تناقض شدید خواهد شد: من به این مسئله فکر کردم. درسته در اسلام گفته بخشش بهتره ولی من دچار تناقض هستم و شاید اون فرد رو نبخشم.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۳، مرد، ۴۹ ساله، ارشد و مشاوره نیت کنش و زمان کنش را برای بخشش مهم تلقی می‌کند: اگه [قتل] غیر عمد و اتفاقی باشه حتی المقدور در کوتاه‌مدت نمی‌بخشم. باید زمان بیره تا او رو بتونم ببخشم.

به طور کلی هیچ یک از مشاوران تمایلی به بخشش و عفو در کوتاه‌مدت یا عجل‌لانه نداشتند. عدم باور مصاحبه‌شوندگان به بخشش در کوتاه‌مدت، تداعی‌کننده فرایندی بودن بخشش شامل آزرده‌گی، نفرت، شفا یافتن و بخشیدن و در نهایت آشتی و بازگشت به سوی یکدیگر است (زاکورینی و همکاران به نقل از شباسی و خیاطی، ۱۳۹۴: ۳۶).

ج) بخشش معطوف به نیت

برخی دیگر از مصاحبه‌شوندگان نیز خواهان عدالت کیفری‌اند هستند، اما انگیزه‌های کنش برای آنان اهمیت دارد. آنان بین قتل عمد و غیر عمد (کنش نیت‌مند و کنش غیرنیت‌مند) تفاوت قایلند و معتقدند اگر قاتل با نیت و قصد عمدی به کشتن عزیزان‌شان اقدام بنماید، مجازات تنبیهی را تجویز می‌کنند، اما اگر قتل غیر عمد باشد دیدگاه ملایم‌تری را ارایه نموده‌اند.

مصاحبه‌شونده شماره ۷، مرد، ۲۹ ساله، ابتدایی و کارگر (متهم به قتل) معتقد است که در صورت اثبات حقایق جرم، قصاص مناسب‌ترین نوع مجازات است: این بحث رو با بچه‌ها انجام دادم. من به آقایان گفتم اگه یه فردی برادر یا خواهر من رو بکشه من صد سال سیاه رضایت نمی‌دم. من در قالب همین قانون جمهوری اسلامی می‌گم خون در برابر خون.

مصاحبه‌شونده شماره ۹، مرد، ۳۵ ساله، دیپلمه و آزاد (متهم به قتل) بر این باور بود که باید داشتن انگیزه برای انجام قتل (عمد و غیر عمد) در تعیین مجازات مؤثر باشد: بستگی به عمد و غیر عمد داره. بستگی داره چه جوری انجام شده. اون صد تایی که گفتم از سیصدتا عمدی هست. او واقعا به طرز وحشتناکی قتل کرده هزار تا بلا سر مقتول آورده سرش رو بریده. او با انگیزه قبلی وارد شده. اگه داداش من باشه نه من نمی‌بخشم.

او بخشش را بطور انضمامی با متغیرهای موقعیتی بزه‌کار تبیین می‌کند که بزه همراه با انگیزه، نحوه انجام قتل، و شدت خشونت می‌داند.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۰، مرد، ۳۷ ساله، ابتدایی و راننده (متهم به قتل): "قرآن که نوشته

قصاص. اگر حالا پدر، مادر، برادر و خواهر میخوان ببخشند خودشون میدونن و خدایشون. اگر اتفاقی باشه باید ببخشه... اگر عمدی باشه آن واقعا حقیقه. در قرآن هم نوشته که باید اعدام بشه. ولی این حکمی که برای من بستن حق من نبود"

مصاحبه‌شونده شماره ۱۶، زن، ۲۰ ساله، لیسانسیه و مترجم: اگر بستگانم به قتل برسند بستگی به شرایط قاتل دارد، اگر غیر عمد باشد انتظار برخورد سختی ندارم ولی اگر عمد باشد انتظار سخت‌ترین مجازات را دارم.

مصاحبه‌شونده شماره ۹، زن، ۲۳ ساله، و دانشجوی کارشناسی: اگر بستگانم را بکشند اول باید ببینم عمدی بود یا غیر عمد، اگر غیر عمد باشد سعی در بخشش دارم و سعی میکنم که با خانواده صحبت کنم تا قاتل را ببخشند ولی اگر عمدی و در حالت طبیعی باشد هیچوقت او را نمی‌بخشم و انتظار برخورد شدید با قاتل را دارم.

در بخشش مشروط نیز اولیای دم خواستار عفو مطلق نیستند بلکه خواهان مجازات‌های دیگری هستند. این سنخ از افراد نیز بین کنش قتل ارادی و غیر ارادی تفکیک قایلند و برای قتل‌های برنامه‌ریزی شده خواهان مجازات هستند. این نوع از مجازات کیفری عبارت است از تحمیل درد، نوعی کاستی بر عامل تخلف، هدف آسیب رساندن به متخلف از لحاظ ثروت، خوشبختی، حیات و... است. در واقع چیزی را که در دست اوست، از دست بدهد و از آن محروم شود. در ادامه همانطور که خواهید دید سایر نمونه‌ها اشاره کردند که در صورت وقوع قتل برای نزدیکانشان بدون در نظر گرفتن عمد یا غیرعمد بودن تقاضای اشد مجازات را خواهند کرد.

بخشش معطوف به خود

یکی دیگر از سوالات تحقیق و مصاحبه این بود که اگر شما فردی را بکشید فکر می‌کنید بهتر است چه برخوردی با شما شود؟

نمونه‌های پژوهش حاضر در راستای این سوال به نکاتی از قبیل تقاضای عفو و بخشش در صورت غیر عمد بودن قتل اشاره کردند. در واقع از دیدگاه این افراد، عمدی یا غیرعمد بودن قتل در تقاضای بخشش نقش کلیدی ایفا می‌کند. همچنین میل به بخشش و مجازات‌های جایگزین مثل زندان، شکنجه و... نیز در پاسخ‌ها به چشم می‌خورد. در این مورد به نقل قول‌هایی از مصاحبه‌شوندگان خواهیم پرداخت:

الف) مخالفان بخشش

این افراد در ارتباط با این سوال که در صورت اعمال قتل از طرف شما بهتر است اولیای دم و دستگاه قضایی چه برخوردی با شما انجام دهند؟ در واکنش به سوال مزبور، مصاحبه‌شوندگان کمتر در گونه‌ی مخالفان بخشش قرار می‌گیرند. در این باره برخی از مصاحبه‌شوندگان در سطح

ذهنی و بعضی در سطح عینی خواهان قصاص هستند.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۹، زن، ۳۵ ساله، لیسانسیه و حسابدار: اگر فردی را بکشم انتظار دارم زندان نرم و قصاص بشوم.

همچنین مصاحبه‌شونده چهارم متهم به قتل همسر، معتقد بود که در سطح عینی چون هزینه زندان بیش از فواید آن است و جایگاه بیرون از زندان را بخاطر برچسب سنگین ناشی از جرم منطقی نمی‌دانست و تنها گزینه قصاص را رضایت‌بخش تلقی می‌کرد.

مصاحبه‌شونده شماره ۴، مرد، ۵۷ ساله، لیسانسیه، هنرآموز (متهم به قتل همسر): اظهارات مورد چهارم بیانگر سرخوردگی و عدم تمایل وی به بازگشت به جامعه بود و قصاص را به زندانی شدن ترجیح می‌داد؛ من به دادگاه تقاضای حکم دادم و آن رو نوشتم. چون سن و سال من بالاست؛ چون با این سن و سال نمی‌تونم برم بیرون کار کنم و وارد جامعه شم. وقتی اشتباهی کردید دید مردم تغییر می‌کنه دیگه هیچ جای حرفی نداری. اگه قراره ده یا پانزده سال در زندان بمانی قصاص بشی بهتره چون فایده‌ای نداره زندان باشی. در قصاص فرد یکبار می‌میرد ولی در زندان آدمی دائماً می‌میرد و دیگه بدر نمی‌خورد.

ب) بخشش مشروط با اعمال مجازات غیر از قصاص (جایگزین)

یکی از مقوله‌های بخشش معطوف به خود، استفاده از بخشش‌های جایگزین است. این سنخ از مصاحبه‌شوندگان هزینه‌های قصاص ناشی از جرم را سنگین تلقی می‌کردند و خواهان مجازات‌های جایگزین نظیر پرداخت دیه، شلاق و شکنجه بودند.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۷، زن، ۳۸ ساله، ارشد و وکیل: اگر فردی را بکشم مسلماً تقاضای بخشش دارم و بجای قصاص تقاضا پرداخت دیه بجای اعدام را دارم.

مصاحبه‌شونده شماره ۲۰، مرد، ۲۲ ساله، لیسانسیه و نظامی: اگر فردی را بکشم انتظار زندانی شدن و پرداخت دیه و شلاق و شکنجه دارم.

مصاحبه‌شونده شماره ۲۶، زن، ۴۰ ساله، سیکل و خانه دار: من اگر قاتل باشم شاید هیچوقت مرا نبخشند، ولی قطعاً تقاضای بخشش را دارم. اگر عمدی باشد باید منتظر مجازات باشم.

ج) موافقان بخشش

با تغییر جایگاه ذهنی قاتل و مقتول، مصاحبه‌شوندگان کمتر گرایش به درک همدلانه و فهم دیگری داشتند و بیشتر خواهان عفو و بخشش از ناحیه دیگران بودند. اغلب مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که بیشتر خواهان بخشش از اولیای دم هستند.

مصاحبه‌شونده شماره ۲، زن، دیپلمه و خانه دار: بستگی به شرایط دارد، تقاضای بخشش دارم.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۶، زن، ۲۰ ساله، لیسانسیه و مترجم: اگر فردی را به صورت غیرعمد

بکشم انتظار برخوردی همچون قاتل را ندارم ولی اگر عمدی باشد انتظار جزا دارم. ولی تقاضای بخشش و هر عملی جز اعدام را دارم.

مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، مرد، ۲۲ ساله، دانشجوی لیسانس: اگر کسی را بکشم به دست و پایشان می‌فتم که مرا ببخشند. خصوصا اگر به صورت غیر عمد باشد تقاضای بخشش را دارم. مصاحبه‌شونده شماره ۲۲، زن، ۲۳ ساله، و دانشجوی کارشناسی: من اگر فردی را بکشم اصلا نمی‌شود چنین شرایطی را تصور کرد. مسلما هرکس در چنین شرایطی بیشتر تقاضای بخشش را دارد. خصوصا اگر آن قتل را در حالت غیر عادی و غیر عمدی انجام داده باشد. مصاحبه‌شونده شماره ۸، مرد، ۲۵ ساله، کارگر و ابتدایی (متهم به قتل): توانایی پرداخت دیه و رهایی از زندان و قصاص را نداشت و طالب دریافت کمک بود " اولیای دم تقاضای پنجاه میلیون پول کرده از دولت می‌خوام به من کمک کنه".

د) بخشش معطوف به نیت

به لحاظ جامعه‌شناختی کنش‌های انسانی را می‌توان به دو دسته‌ی ارادی و غیرارادی تقسیم کرد. هرچند ضرب و جرح کنشی ارادی است ولی گاهی پیامدهای غیرارادی و ناخواسته دارد که متعاقب آن به قتل منجر می‌گردد. در مبحث دیگرکشی می‌توان این سنخ از افراد را به بخشش معطوف به نیت مقوله‌بندی کرد. آنها مواجهه با قتل را به نیت کنشگران متکی می‌دانند. مبنی بر اینکه قتل امری عمدی بوده یا امری مواجهه‌ای و اتفاقی. این سنخ از مصاحبه‌شوندگان معتقدند که اگر قتل بصورت عمدی صورت گرفته باشد قصاص مناسب است ولی اگر غیرعمدی (مواجهه-ای) باشد بخشش راه حل مناسبی خواهد بود.

مصاحبه‌شونده شماره یک، مرد و متهم به قتل، این فرد محکوم به قتل غیرعمد بود به این موضوع اشاره کرد که با وجود حق مسلم قصاص برای نزدیکان مقتول انصاف حکم می‌کند که بین قتل عمد و غیر عمد تفکیک قائل شویم و مجازات متفاوتی را در این شرایط برای قاتل در نظر بگیریم: حق خانواده و اولیای دم قصاص است. ولی گاهی اوقات بین قتل عمد و غیر عمد باید تفکیک قایل شد. حتی کار من به صورت عمد برای قتل رساندن فردی نبوده است ولی جوانی از یک خانواده از بین رفته است. حق من قصاص است و فکر می‌کنم دادگستری هم بهتر است در مورد قتل پیگیری نماید.

مصاحبه‌شونده شماره ۵، مرد، ۴۶ ساله، ابتدایی و راننده (متهم به قتل) معتقد بود که باید به برخی ویژگی‌های قاتل از جمله (سن، شغل، تحصیلات و...) در صدور حکم توجه شود: فکر می‌کنم زمان بهترین دارو و مهربانترین آموزگار است، البته نه بلافاصله، بلکه با طی زمان. ممکنه این زمان سه ماه باشه و برای فرد دیگر سی سال باشه. من از زندان هم انتظاری ندارم. حالا کاری شده و

من ابزار ثابت کردنش رو ندارم و این نیاز به یه علم لدنی داره که بیاد آن رو ثابت کنه. مصاحبه‌شونده شماره ۲۷، مرد، ۴۹ ساله، دیپلمه و بازاری نیز بر عاملیت کنشگران در برخورد با جرم تأکید می‌کرد: من اگر قاتل شوم اگر غیر عمد باشد تقاضای بخشش میکنم.

راه‌های جایگزین اعدام

چه راه‌هایی غیر از زندان در برخورد با قاتلین سراغ دارید؟ در رابطه با پیشنهاد در مورد نحوه‌ی مجازات، مصاحبه‌شوندگان به پاسخ‌هایی از قبیل: بخشش و آزادی به شرط اصلاح، به وجود آوردن حس ندامت و پشیمانی در قاتل از طریق انواع حبس، جایگزین کردن برخی فعالیت‌ها به جای زندانی شدن (کار در مراکز خیریه)، جمع‌آوری زندان‌ها و تأسیس مراکز نگهداری از سالمندان اشاره کردند. به صورت اجمالی می‌توان گفت که براساس پاسخ‌های اکثریت نمونه‌ها روحیه‌ی بخشش و ترمیم مجازات در افراد به طور امیدوارکننده‌ای شکل گرفته است و تندروری در مجازات قاتلینی که دچار قتل غیربرنامه‌ریزی-شده (مواجهه‌ای) شده‌اند به چشم نمی‌خورد و واکنش‌ها نسبت به گذشته ملایم‌تر شده است. در ذیل به راهکارهای پیشنهاد شده توسط نمونه‌ها اشاره خواهیم کرد:

عدالت کیفری

الف) تأکید بر اعدام

برخی همچنان موافق عدالت کیفری یا سزادهی کلاسیک‌اند. فارغ از بخشش معطوف به خود و دیگران، این افراد بصورت صریح واکنش شدیدی از خود به خرج داده و راه حل اصلی این مشکل را اعدام دانسته و براین باورند که کیفر پاسخ طبیعی خطای فرد در قالب جرم ارتكابی است. مصاحبه‌شونده شماره ۷، زن، ۲۲ ساله، لیسانسیه و نظامی: هیچ راه دیگری جز اعدام وجود ندارد و قاتلین باید قصاص شوند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۵، زن، ۴۹ ساله، دیپلمه و خانه دار: به غیر از زندان دوست دارم خودم آن فرد را بکشم ولی از مجازات و خونریزی بیزارم. مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، ۲۳ ساله، مرد، ۲۲ ساله، دانشجو: به جز اعدام و زندان راه دیگری نیست که موجب دلگرمی خانواده مقتول شود. با توجه به تغییر و تحولات جامعه ایرانی، نگرش به مجازات نیز دستخوش تغییر شده است، بطوریکه عده کمی خواستار برخورد انتقامی هستند. این امر دلالت بر آستانگی^۱ مجازات دارد که در آن گذار از مجازات کیفری به مجازات ترمیمی مشاهده می‌شود.

ب) روش‌های جایگزین اعدام

اغلب مصاحبه‌شوندگان گزینه‌های دیگری بجز اعدام را معرفی کردند که برخی از آن‌ها عبارتند از: مصاحبه‌شونده شماره ۱۴، مرد، ۳۸ ساله، لیسانسیه و بازاری معتقد است اگر قتل غیر عمد (مواجهه‌ای) باشد راه‌های جایگزین قصاص مناسب است: در صورت غیر عمد بودن بخشش و یا زندانی شدن.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۶، زن، ۲۰ ساله، لیسانسیه و مترجم: راه‌هایی بجز اعدام از جمله زندان رفتن در صورتی که واقعا تأثیر گذار باشد و در فرد تغییر ایجاد کند و هدف فقط شکنجه نباشد. مصاحبه‌شونده شماره ۱۷، زن، ۳۸ ساله، ارشد و وکیل: از نظرم زندان بدون مرخصی برای قاتلین خوب است.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۸، مرد، ۴۸ ساله، لیسانسیه و فرهنگی: به غیر از اعدام راه‌هایی همچون تبعید می‌تواند خوب باشد.

مصاحبه‌شونده شماره ۳، مرد، ۱۷ ساله، اول دبیرستان و دانش‌آموز (متهم به قتل): نمونه‌ی سوم خواهان تفاوت در مجازات بود. وی قتل‌های ناموسی را از سایر قتل‌ها تفکیک می‌کرد و قصاص را اشد مجازات می‌دانست و خواهان تخفیف و تنزل آن به حبس و پرداخت دیه بود "حداقل دادگستری علت قتل را به درستی بررسی نماید تا اینکه فرد شاید اتفاقی قتل کرده است ولی قتل‌هایی که ماهیت ناموسی دارد خوب شرایط خاص خودش را دارد. فکر می‌کنم برای قتل‌های آنی حبس یا جریمه کردن کافیه، قصاص خیلی جریمه سنگینه. بهتر است این آدم در طول مدت حبس بررسی شود.

صحبت‌های شماره ۳ گواه تفسیر آیه‌ای از قرآن است که اشاره می‌کند، لذتی که در بخشش است در قصاص نیست. وی عدالت کیفری را برای برخورد با مجرمین قتل مناسب نمی‌داند.

عدالت ترمیمی

برخی از مصاحبه‌شوندگان نیز عدالت ترمیمی که جنبه اصلاحی داشته باشد را تجویز نموده‌اند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۹، زن، ۳۵ ساله، لیسانسیه و حسابدار: به جز زندان باید راهی باشد تا مجرم اصلاح شود و احساس پشیمانی کند.

مصاحبه‌شونده شماره ۲۲، زن، ۲۳ ساله، و دانشجو: به جز زندان و اعدام می‌توان راه‌هایی همچون کار کردن در مکان‌هایی چون سالمندان نگهداری از بیماران را پیشنهاد کرد، زیرا زندان و اعدام نفس آن عمل را از بین نمی‌برد.

مصاحبه‌شونده شماره ۲۴، مرد، ۴۲ ساله، دیپلمه و آزاد: به جز زندان و اعدام نیز باید بشود کارهایی کرد که آن قاتل اصلاح و پشیمان شود. چون زندان و اعدام این حس اصلاح را بوجود

نمیاورد بلکه شاید روحیه خشونت را تشدید هم بکند. مصاحبه‌شونده شماره ۲۶، زن، ۴۰ ساله، سیکل و خانه دار: به جز زندان باید راهی که باعث پرورش احساس ندامت شود را پیشنهاد دهیم، یا به جز اعدام شاید حبس ابد خوب باشد. مصاحبه‌شونده شماره ۲۷، مرد، ۴۸ ساله، دیپلمه و بازاری: به جز زندان شاید کار در مکانی خیریه خوب باشد تا آن شخص پشیمان و اصلاح شود. این افراد بیشتر نسبت به مجرمین رابطه اخلاقی برقرار می‌کنند. آن‌ها قاتلین را بمثابه‌ی «دیگری» می‌بینند که در «گروگان» آن‌هاست. این امر تداعی‌کننده دیدگاه لویناس است؛ بر مبنای دیدگاه وی، «بودن» من در جهان در رابطه با «دیگری» است و آشتی با دیگری اولین پروای من است. بدین معنا که هستی شخص در هستی «دیگری» است، و از رهگذر وضعیت گروگان بودن است که وجود رحم، شفقت و بخشایش و نزدیکی در جهان ممکن می‌شود (لویناس، ۱۹۹۱: ۱۱۸).

۵. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مصاحبه‌شوندگان را حداقل در سه سنخ می‌توان تقسیم کرد. گروهی موافق بخشش‌اند و عدالت ترمیمی را برای عقوبت افراد کافی می‌دانند. اینها خود به دو سنخ تقسیم می‌شوند: بخشش معطوف به خود و بخشش معطوف به دیگران. در بخشش معطوف به خود در سطح احساسی خواهان بخشش از سوی دیگران هستند، اما در بخشش معطوف به دیگران در قبال مرگ یکی از بستگان خود چه در سطح احساسی و چه در سطح رفتاری تعداد کمتری از مصاحبه‌شوندگان را به خود اختصاص می‌دهند. در این راستا، گروهی مخالف بخشش‌اند و خواهان اشد مجازات برای قاتلین‌اند و مخالف عدالت ترمیمی هستند. در نگاه آن‌ها «قاتلین» بویژه قتل‌های عمدی بمثابه‌ی «دیگری» هستند. این سنخ از افراد شکل غالب مصاحبه‌شوندگان را تشکیل می‌دهند. گروهی نیز طرفدار بخشش معطوف به نیت هستند. این سنخ از مصاحبه‌شوندگان معتقدند که اگر قتل بصورت عمدی صورت گرفته باشد قصاص مناسب است ولی اگر غیرعمد (مواجهه‌ای) باشد بخشش راه حل مناسبی خواهد بود. آنان بر این باورند که نیت کنش‌گران در جرم و نیز زمان کنش در تصمیم‌گیری آنها مؤثرند. یعنی؛ اتفاقی بودن یا عمدی بودن جرم و فاصله بین جرم و مجازات در تصمیم آنها نقش مهمی خواهد داشت. این سنخ از افراد ممکن است تحت‌تأثیر متغیرهای مختلف بخشش را به تعلیق درآورند و به مخالفان بخشش بپیوندند و یا در صف حامیان بخشش درآیند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که برخی از مصاحبه‌شوندگان بر این باورند که در برابر قتل یکی از عزیزان خود در کوتاه‌مدت آنان را نخواهند بخشید و بخشش

عجولانه را بر نمی‌تابند. بنابراین موقعیت سوژه‌ها (مصاحبه‌شوندگان) سهم به‌سزایی در عقاید معطوف به بخشش دارند. بدین معنا که جایگاه آنان به مثابه سوژه و ابژه قتل (بزهکار یا بزه‌دیده) نقش عمده‌ای در سنخ‌سازی و جهت‌گیری آنان نسبت به موضوع دارد. علاوه بر فضا و موقعیت، بخشش امر زمانی نیز است، زیرا تأخیر افتادن مجازات نیز در کنش افراد در بخشش مؤثر است. این امر تداعی‌کننده دیدگاه زاگورینی است که بخشش را امری زمانی و فرایندی می‌داند که مرحله به مرحله می‌توان بدان تقرّب کرد.

بر اساس نتایج تحقیق بسیاری از مصاحبه‌شوندگان مخالف بخشش در برابر قتل هستند و معتقدند که بین جرم و مجازات در عدالت ترمیمی تناسب وجود ندارد و تنها از طریق مجازات می‌توان نظم مختل شده را احیا کرد و تعادل را مجدداً به جامعه بازگرداند. آنان کمتر تمایل به بخشش در مقابل قاتل دارند و خواستار عقوبت سنتی (کیفری) در مقابل قتل هستند. بر مبنای نظریه بنتام بزه‌دیده‌گان در مقابل قتل عزیزان خود مبادرت به حسابگری کیفری می‌کنند و فواید ناشی از بخشش و انتقام را می‌سنجند.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بخشش و عدالت ترمیمی در مقابل قتل بویژه قتل‌های اتفاقی نیاز به بسترسازی فرهنگی و اجتماعی دارد تا جامعه آماده پذیرش آن باشد. با توجه به گسترش اخلاق فردی در ایران موانع زیادی در نهادینه کردن بخشش و عدالت ترمیمی وجود دارد؛ اما بهره‌گیری از الگوهای فرایندی نقش عمده‌ای در این زمینه دارد. با تکیه بر الگوی فرایندی می‌توان مراحل بخشش را آموزش داد و به تدریج و مرحله به مرحله فرد و جامعه را به بخشش نزدیک نمود. علاوه بر این تنوع قتل از عمدی و اتفاقی وجود دارند که برخورد و نحوه مواجهه با آن نیز متفاوت‌اند. با توجه به تنوع قتل (عمدی و اتفاقی) و دیدگاه‌های موجود ناشی از پیام‌گرایی، سزاگرایی محض و عدالت ترمیمی محض کارآیی لازم در حفظ تعادل جامعه را ندارد بلکه در توجیه کیفر نوعی اندیشه ترکیبی مناسب است. همچنین، ترویج فرهنگ اخلاقی زیستن با خودمحوری در تعارض است و در گسترش بخشش، همدلی و صلح نقش مؤثری خواهد داشت.

فهرست منابع

- الف) فارسی
۱. اشپیلبرگ، هربرت (۱۳۹۱). جنبش پدیدارشناسی: درآمدی تاریخی، جلد دوم، ترجمه مسعود علیا، تهران، مینوی خرد.
 ۲. ایمانی فر، حمیدرضا، فاطمی، جمیله، امینی، فاطمه (۱۳۹۱). بخشش از دیدگاه روان‌شناسی و قرآن کریم، انسان پژوهی دینی، سال نهم، شماره ۲۷، صص ۱۷۵-۱۴۹.
 ۳. بهرامیان، امید و همکاران (۱۳۹۴). بررسی پتانسیل عفو و بخشش در جامعه و تأثیر سرمایه اجتماعی بر آن، مجله مطالعات علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی خلخال، سال یازدهم، شماره چهل و ششم صص ۶۹-۴۶.
 ۴. تقی پور، علیرضا و رفیعی، سید رضا (۱۳۹۵). نقش نظریات اخلاقی و فلسفی در مسئله اکراه در قتل در حقوق بین الملل کیفری، مجله پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره اول، صص ۴۵-۲۳.
 ۵. حمیدی پور، رحیم و همکاران (۱۳۸۹). بررسی تأثیر زوج درمانی گروهی مبتنی بر بخشش بر رضایت زناشویی، مجله مطالعات اجتماعی ° روانشناختی زنان، سال ۸، شماره ۴، صص ۷۲-۴۹.
 ۶. جانسون، گری (۱۳۸۹). عدالت ترمیمی، شرم و بخشش، ترجمه حسین سمیعی نوز و مجتبی نقدی نژاد، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره شانزدهم، صص ۲۳۰-۱۹۷.
 ۷. دانشگر، مجید (۱۳۹۰). عفو و بخشش از منظر روانشناسی و الاهیات مسیحی، پژوهشنامه فلسفی ° کلامی، شماره ۵۰، صص ۱۱۶-۱۰۷.
 ۸. دریدا، ژاک (۱۳۸۷). جهان وطنی و بخشایش، ترجمه‌ی: امیر هوشنگ افتخاری راد، تهران، گام نو.
 ۹. دورکیم، امیل (۱۳۸۱). تقسیم کار اجتماعی، ترجمه‌ی باقر پرهام، تهران، نشر مرکز.
 ۱۰. زهر، هوارد (۱۳۸۸). کتاب کوچک عدالت ترمیمی، ترجمه دکتر حسین غلامی، تهران، نشر مجد.
 ۱۱. شیاسی، لیلا و خیاطان، فلور (۱۳۹۴). تأثیر مشاوره گروهی بخشش محور بر سازگاری و کیفیت زندگی زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهرستان نجف آباد، مجله دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، سال شانزدهم، شماره ۲، صص ۴۲-۳۴.
 ۱۲. صیاد منصور، علیرضا و طالب زاده، سید حمید (۱۳۹۳). مسئولیت اخلاقی در اندیشه امانوئل لویناس؛ انفعال من در برابر دیگری، نشریه پژوهش‌های فلسفی، سال ۸، شماره ۱۴، صص ۱۸۲-۱۶۵.
 ۱۳. گارارد، ایو. مک نالتون، دیوید (۱۳۹۲). بخشودن، خشایار دیهیمی، نشر گمان، تهران.
 ۱۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳). از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، نشریه قضاوت، سال سوم، شماره ۲۶، صص ۱۱-۱.
 ۱۵. یعقوبی، علی (۱۳۹۴). مطالعه و شناسایی زمینه‌ها و بسترهای وقوع قتل عمد در استان گیلان، استان گیلان، معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری.
- ب) خارجی:

16. Enright, R.D., Freeman, S.&Rique, J, 1998, *The psychology of interpersonal forgiveness*. In R. D.Enright, & J.North(Eds.), *Explorring forgiveness*(pp.46-62). Madison, WI: University of Wisconsin press.

17. Levinas, Emmanuel, 1991, *Otherwise than Being or Beyond Essence*, trans. By Alphonso Lingis, Dordrecht: Kluwer Academic Publishers.

18. Marshall, T, 1996, *The evolution of restorative justice in British*, European journal on criminal policy and research 4/4: 21-43.
19. Myerberg.L, 2011, *Forgiveness And Self-Regulation: Forgiveness as a Mechanism of Self-Regulation: An Ego-Depletion Model*, Honors Thesis in psychology University of Richmond.
20. Plummer, K. , 2002, *Documents of life:An invitation to critical humanism*. London: Sage.

